

نقش اعتقاد به مهدویت در اتحاد ملی و انسجام اسلامی

نویسنده:

قنبر امیرنژاد
عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

محمدحسن محسن نسب
عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

چکیده

خداوند متعال با خلقت انسانها، همواره پیامبرانی را برای هدایت و رهبری آنها گسیل داشته است که اولین آن پیامبران، آدم و آخرین آنها حضرت ختمی مرتبت حضرت محمد بن عبدالله بود. هر چند این بزرگواران بخصوص حضرت رسول و امامان پس از وی تلاش فراوانی در زمان حیات خویش جهت هدایت بشر انجام دادند اما به دلایلی به نتیجه مطلوب نتوانسته دست یابند تا اینکه مشیت الهی بر آن قرار گرفت که دوازدهمین پیشوای معصوم مسلمانان و شیعیان، حضرت مهدی (عج) برای تحقق بخشیدن که آرزوی تمامی پیامبران و امامان علیهم السلام در پس پرده غیبت به سر برد تا در روز موعود ظهور نماید و با انقلاب خویش یک حکومت واحد جهانی را تشکیل دهد.

در زمان غیبت آخرین معصوم ولایت فقیه نقشی اساسی در راهبرد جامعه اسلامی و شیعیان برعهده دارد. بهمین منظور امسال را رهبر معظم انقلاب حضرت آیت اله العظمی خامنه ای سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی نامگذاری نمودند. این مقاله با تاکید بر نقش و حضور حضرت مهدی (عج) در سرتاسر جامعه اسلامی راهکارهای زیر را ارائه می دهد.

1. عمل به دستورات و تعالیم الهی، قرآن کریم و عترت مطهر
 2. فراموش نکردن آرمانهای مقدس امام راحل
 3. گوش به فرمان رهبری
 4. عالم را محضر خدا دیدن
 5. اجرای عدالت اجتماعی در سطح کشور
 6. تبیین عمیق جایگاه اتحاد و وحدت اسلامی در میان دولتها و به ویژه کشورهای مسلمان
 7. هماهنگی هرچه بیشتر مسئولان جمهوری اسلامی و مردم
- کلمات کلیدی:** حضرت مهدی، اعتقاد به مهدویت، انسجام اسلامی، وحدت ملی

1 و 2 اعضای هیئت علمی تمام وقت دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

مقدمه

خداوند متعال با خلقت انسان، همواره پیامبرانی را برای هدایت و رهبری آنها گسیل داشته است که اولین آن پیامبران، «آدم» و آخرین آنها حضرت ختمی مرتبت «محمد بن عبدالله (ص)» بود. هر چند این بزرگواران، بخصوص رسول اکرم (ص) در این باره، سعی بسیاری از خود نشان دادند، ولی هیچکدام نتوانستند نتیجه مطلوب را در زمان حیات خویش به دست آورند.

از اینرو، بعد از پیامبر اسلام (ص) اصل امامت و وصایت امامان معصوم علیهم السلام پایه گذاری شد و به امر خداوند، حضرت امیرالمومنین علی (ع) به وصایت و جانشینی آن حضرت و پس از او نیز یازده تن از اولاد معصوم و بزرگوارش به ترتیب عهده دار امر امامت و خلافت شدند. اما متأسفانه این امامان نیز به دلایلی نتوانستند به آن نتیجه مطلوب دست یابند، تا اینکه مشیت الهی بر این تعلق گرفت که دوازدهمین پیشوای معصوم مسلمانان و شیعیان، حضرت امام مهدی (ع)، برای تحقق بخشیدن به آرزوی تمامی پیامبران و امامان علیهم السلام، در پس پرده غیبت به سر برد، تا در روز موعود ظهور کرده، و با انقلاب خویش، یک حکومت واحد جهانی را تشکیل دهد. در زمان غیبت آخرین معصوم ولایت فقیه نقش اساسی در شناخت اصول اعتقادی، اجتماعی، علمی فرهنگی برعهده دارد. در همین راستا مقام معظم رهبری بعنوان رهبر جهان اسلام، امسال را سال وحدت ملی و انسجام اجتماعی بیان فرمودند.

«وحدت کلمه» به قدری مهم است که امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران رکن اساسی بقای انقلاب اسلامی را اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه با انگیزه الهی می دانند. طرح اندیشه «وحدت جهان اسلام» یکی از مشغولیت‌های فکری دیرینه و اساس حضرت امام (ره) بود، که او در دوران فعالیت اجتماعی - سیاسی خود چه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و چه پس از آن لحظه ای از آن غفلت نورزید، وفاداری صادقانه امام به «وحدت» نه تنها ایشان را به برجسته ترین شخصیت انقلابی جهان اسلام تبدیل نمود، بلکه حضرت امام راحل توانست در میان فرقه های اسلامی نیز جایگاه بس رفیعی، کسب نماید.

رهبر معظم انقلاب نیز در رابطه با وحدت ملی فرمودند: اگر امروز بشریت متوجه این رحمت بشود - رحمت وجود اسلام رحمت تعالیم نبوی این سرچشمه جوشان «وحدت» و آن را بیابد و خود را از آن سیراب کند بزرگترین مشکل بشر برطرف خواهد شد.

اگرچه همین امروز هم تمدنهای موجود عالم، بلاشک از تعالیم اسلام بهره مند شده اند و بدون تردید آنچه از صفات و روشهای خوب و مفاهیم عالی در بین بشر وجود دارد متخذ از ادیان الهی و تعالیم انبیاء و وحی آسمانی است و بخش عظیمی از آن به اسلام متعلق است، لیکن امروز بشر به معنویت و صفا و معارف روشن حق و دلپذیر اسلام که هر دل با انصافی آن معارف را می پذیرد و می فهمد نیازمند است، لذا دعوت اسلامی در جهان طرفدارانی پیدا کرده است و بسیاری از غیرمسلمین هم دعوت اسلامی را پذیرفته اند. این رهنمودها و همزمانی هفته وحدت با آغاز سال نو، تدبیر نخبگان و اهل فکر و اندیشه را درباره نام امسال یعنی اتحاد ملی و انسجام اسلامی که به درستی می توان آن را زیرکانه ترین راهبرد جهان اسلام از سوی رهبر فرزانه انقلاب دانست. گوشزد و بر تلاش بیشتر مسئولان برای فراهم کردن زمینه های لازم این امر مهم تاکید می کند.

این مقاله سعی بر آن دارد که نقش اعتقاد به مهدویت و اعتقاد به ظهور مصلح آخرالزمان، حضرت صاحب الامر مهدی موعود را در اتحاد ملی و انسجام اجتماعی بیان نماید.

مهدویت چیست؟

اعتقاد به مهدی موعود مسئله ای است که در تمام ادیان و مذاهب مختلف جهان اعم از کلیمیت، مسیحیت، زرتشت، اسلام و غیره مطرح بوده و هست، بدین معنی که در آخر الزمان، مصلحی ظهور خواهد کرد و به جنایتها و خیانتها و تبعیضهای بشر خاتمه خواهد داد. آری «اعتقاد به مهدی» نه تنها یک باور اسلامی است، که عنوانی می باشد برای خواسته ها و آرزوهای همه انسانهای دردمند و ستمدیده، با کیش و مذاهب گوناگون و همچنین بازده الهام فطری مردم است و با همه اختلافاتی که در عقیده و مذهب دارند دریافته اند که برای انسانیت در روی زمین، روز موعودی و انسان موعودی خواهد بود که با ظهورش هدف نهایی ادیان الهی تحقق یافته و مسیر آن به دنبال رنجی بسیار، همواری و استواری لازم را می یابد. بنابراین، مسئله مهدویت با سابقه ای دیرینه، ریشه در مذهب دارد.

اگرچه غیر از قرآن مجید، تمامی کتابهای آسمانی دیگر دستخوش تحریف شده اند، لیکن با این وجود جملاتی از دستبرد دیگران مصون مانده است که در آنها از آمدن مهدی موعود و مصلح جهانی گفتگو شده است و چون این مطلب به صورت پیشگویی و مربوط به آینده است و مضامین آن در قرآن و روایات متواتر وارد شده است. از این رهگذر مسلم می شود که این عبارتها از منطق وحی سرچشمه گرفته و از دستبرد انسانها در طول تاریخ در امان مانده است. از جمله روایات متواتری که به ظهور «مهدی موعود» وعده داد، حدیث معروف نبوی است که فرمود «اگر از عمر دنیا یک روز بیش باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را طولانی کند تا مردی از امت و خاندان من که نامش نام من است ظاهر شود و زمین را از عدل و داد پر کند چنانکه از ظلم و ستم پر شده باشد.» (مالکی / ص 294)

مهدی موعود در دیگر ادیان و کتب آسمانی

با تحقیق و جستجو ادیان و مذاهب آسمانی، به این نتیجه قطعی و مسلم می رسیم که اعتقاد به مهدی موعود اختصاص به مسلمان ندارد، بلکه سایر ادیان و مذاهب نیز در این عقیده با مسلمین شریک می باشند.

1. **منابع زردشت:** در «زند» که کتاب مذهبی زردشتیان است درباره انقراض اشرار و وراثت صالحان آمده است: «لشگر اهریمنان با ایزدان، دائم در روی خاکدان، محاربه و کشمش دارند و غالباً پیروزی با اهریمنان باشد اما نه به طوری که ایزدان را محو منقرض سازند چه در هنگام تنگی از جانب «اورمزد» که خدای آسمان است به «ایزدان» که فرزندان اویند، یاری می رسد و محاربه ایشان نه هزار سال طول می کشد آنگاه پیروزی بزرگ از آن ایزدان می شود و اهریمنان را منقرض می سازند و تمامی اقتدار اهریمنان در زمین است و در آسمان راه ندارند و بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصلی

خویش رسیده و بنی آدم بر تخت نیکبختی خواهند نشست.» و در کتاب «جاماسب نامه» آمده است که: «مردی بیرون آید از زمین تازیان، از فرزندان هاشم، مردی بزرگ و بزرگ تن و بزرگ ساق و بر دین جد خویش بود با سپاه بسیار ورودی به «ایران» نهد و آبادانی کند و زمین پردازد کند...» و در جای دیگری آمده است: «سوشیانس (نجات دهنده بزرگ) دین را به جهان رواج دهد، فقر و تنگدستی را ریشه کن سازد، ایزدان را از دست اهریمن نجات داد، مردم جهان را همفکر و هم گفتار و هم کردار گرداند.»

2. **منابع هندی:** در کتاب «شاکمونی» که از سردمداران کافران هند است و به عقیده پیروانش، پیامبر و صاحب کتاب آسمانیست، اشاره به وحدت دیانت در زمان آن پرچم دار روحانی جهان نموده گوید: «پادشاهی و دولت دنیا به فرزند سید خلاق دو جهان «کشن»¹ بزرگوار تمام شود وی کسی باشد که بر کوههای مشرق و مغرب دنیا حکم براند و فرمان کند و بر ابرها سوار شود و فرشتگان کارکنان او باشند و جن و انس در خدمت او شوند و از سودان که زیر خط استوا است تا ارض تسعین که زیر قطب شمال است و ماوراء بحار را صاحب شود، و دین خدا یک دین شود، و دین خدا زنده گردد و نام او ایستاده باشد و خداشناس باشد.» و نیز در کتاب «دید» که نزد هندیان از کتب آسمانی است می گوید «پس از خرابی دنیا پادشاهی در آخرالزمان پیدا شود، که پیشوای خلاق باشد و نام او «منصور» باشد و تمام عالم را بگیرد و به دین خود آورد و همه کس را از مومن و کافر بشناسد و هرچه از خدا خواهد برآید.» (بهشتی / ص 18)

3. **انجیل:** «کمرهای خویش را بسته، چراغهای خود را افروخته بدارید و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خودشان را می کشند که چه وقت مراجعت می کند، تا هروقت که آید و در را بکوبد بی درنگ برای او باز کنند، خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار یابد... پس شما نیز مستعد باشید، زیرا در ساعتی که گمان نمی برید بسر انسان می آید.» (انجیل لوقا فصل 12)

4. **تورات:** «و نهالی از تنه «یستی» بیرون آمده و شاخه ای از ریشه هایش خواهد شکفت و روح خدا بر او برقرار خواهد گرفت... مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد کرد... گرگ با بره سکونت خواهد کرد و پلنگ با بزغاله و گوساله و شیر و پرواری باهم و طفل کوچک آنها را خواهد راند... در تمامی کوه مقدس من ضرری نخواهند کرد زیرا که جهان از معرفت خدا پر خواهد شد.» (تورات - فصل 11)

1- «کشن» به لغت هندی نام پیامبر (ص) است که در بشارت فوق فرزند برومندش را به نام ایستاده و خداشناس نامیده، چنانکه شیعیان او را قائم می خوانند.

5. **زبور:** «شیران منقطع خواهند شد و اما منتظران خداوند وارث زمین خواهند شد. هان بعد از اندک زمانی شیرین نخواهد بود در مکانش تامل خواهی کرد و نخواهی بود و اما حلیمان وارث زمین خواهند شد... و میراث آنها خواهد بود تا ابدالآباد» (عتیق ص 18)

شواهد وجود مهدی موعود در قرآن

هرچند نیاز نیست هر موضوع صحیحی با تمام جزئیات و خصوصیاتش در قرآن کریم آمده باشد، زیرا بسیاری از موارد واقعیت دارد ولی وحی الهی به جزئیات متعرض نگشته است. اما جواب سؤال مذکور مثبت است. آیات بسیاری پیرامون حکومت جهانی امام عصر (ع) وجود دارد که بزرگان دین در کتابهای معتبر و گرانبهایشان فرموده اند. از جمله آنها «علامه مجلسی» که در کتاب شریف بحارالانوار بابی را به ذکر آیات قرآن کریم که به قیام امام زمان (عج) تأویل شده، اختصاص داده است و در اینجا به چند نمونه اکتفا می کنیم:

1. «در زبور (حضرت داود) بعد از کتب آسمانی سابق نوشتیم که: زمین را بندگان صالح ما به ارث می برند.» و اینان قائم آل محمد و یاران او می باشند.
2. «خدا فرستاده خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا بر همه دینها غالب شود هرچند مشرکین نخواهند.» بنابر روایتی که از امام رضا (ع) نقل شده است، این آیه درباره قائم آل محمد است وی امامی است که خداوند او را بر همه کیشها و آئینها غالب گرداند.
3. «خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده و عمل صالح پیشه ساخته اند، وعده داده که آنها را در زمین نماینده خود گرداند، چنانکه همانند آنها را سابقاً خلیفه کرد و ثابت می دارد دین آنها را، که برای آنان برگزید، ترس آنها را تبدیل به امن کنیم و اینان هیچگاه به من شرک نوزند.» در کتاب «غیبت» شیخ طوسی، روایت شده که این آیه نیز درباره مهدی موعود (عج) و یاران او نازل شده است.
4. «ما اراده کرده ایم بر آنان که در زمین زبون گشتند، منت بنهیم و آنها را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.» در «غیبت» شیخ طوسی از امیرالمؤمنین (ع) روایت می کند که در تفسیر این آیه فرمود: اینان که در زمین ضعیف گشته اند آل پیغمبرند که خداوند مهدی آنها را برانگیزد تا آنان را عزیز و دشمنان ایشان را ذلیل گرداند.
5. «بدانید که خداوند، زمین را پس از مردنش زنده می گرداند، ما آیات خود را برای شما بیان کردیم تا در آن باره تعقل کنید.» باز در «غیبت» شیخ طوسی از ابن عباس روایت نموده که در تفسیر آیه گفت: خداوند زمین مرده را بعد از بیدادگری اهلش، با ظهور قائم محمد اصلاح کند.

آیا پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم علیهم السلام از مهدی موعود (عج) خبر داده اند؟ باید گفت که از ناحیه مقدس پیغمبر اکرم (ص) و امامان معصوم علیهم السلام، روایات با سندهای معتبر راجع به وجود حضرت مهدی و ظهور آن موعود جهانی وارد شده است که جای هیچگونه شک و تردید را برای طالبان حقیقت باقی نمی گذارد و ما در اینجا نمونه هایی را از آن بزرگواران نقل می کنیم:

§ رسول اکرم (ص) فرموده است: «مهدی از فرزندان من است، اسم او، اسم من (محمد) و کنیه اش کنیه من (ابوالقاسم) است، از نظر اخلاق و خلقت شبیه ترین مردم به من است برای او غیبت و حیرتی است که در آن مردم بسیار گمراه می شوند، آنگاه مثل «شهاب ثاقب» می آید و زمین را پس از عدل و داد خواهد کرد همچنان که پر از ظلم ستم شده بود.» (شیخ صدوق - ص 287)

§ امیرالمومنین (ع) فرموده است: «قائم ما غیبت طولانی خواهد داشت، شیعیان را چنان می بینم که برای پیدا کردن دشت و دمن را زیر پا گذارده ولی او را پیدا نکنند. بدانید آنها که در غیبت وی در دین خویش ثابت بمانند و در طول مدت غیبتش منکر وی نشوند، روز قیامت با من خواهند بود. آنگاه فرمود: چون قائم ما ظهور کند، بیعت هیچ کس در گردن وی نمی باشد. از این رو ولادتش پوشیده خواهد ماند و خودش از نظرها پنهان می شود.» (شیخ صدوق ص 287)

§ جابر بن عبدالله خدمت حضرت فاطمه زهرا (س) شرفیاب شد، در حالیکه در مقابل حضرت لوحی بود که در آن لوح اسامی اوصیا نوشته شده بود. من شمردم دوازده نام دیدم که آخر آن اسمها «قائم» بود و سه نام محمد و چهار نام آنها علی بود.

§ امام حسن (ع) می فرماید: «مگر نمی دانید که هیچ یک از ما ائمه نیست جز اینکه بیعت با سلطان و گردنکش زمانش را به گردن دارد (یعنی حقشان که امامت و خلافت باشد، ظالمانه و غاصبانه پایمال می شود) جز آن قائمی که عیسی بن مریم پشت سرش به نماز ایستد و خداوند متعال تولدش را مخفی و وجودش را غایب فرماید، تا هنگام خروج بیعت هیچ کس در گردنش نباشد و او نهمین فرزند بردارم حسین (ع) و فرزند مهتر زنان است خداوند عمرش را در غیبتش طولانی کند، سپس او را به قدرت خود در صورت جوانی کمتر از چهل سال ظاهر کند تا بدانند خدا بر هر چیز قادر و تواناست» (شیخ حرعاملی / ص 55)

§ امام حسین (ع) فرموده است: «در نهمین فرزند من، سنتی از یوسف (ع) و سنتی از موسی (ع) و سنتی از موسی (ع) است و او مقام اهل بیت است که خداوند امر او را در یک شب اصلاح می فرماید.»

§ امام سجاد (ع) فرموده است: «در قائم ما چند سنت از سنتهای انبیا هست از آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، ایوب و محمد (ص). اما از آدم و نوح، طول عمر است و اما از ابراهیم ولادت پنهانی است و اما از موسی خدا ترس و در غیبت است و اما از عیسی اختلاف آرای مردم پس از اوست. (چنانکه پس از بالا رفتن آن حضرت بعضی گفتند مرد و بعضی گفتند به دار آویخته شد و ...) و اما از ایوب گشایش و فرج بعد از امتحان است و اما از محمد (ص) خروج با شمشیر است.»

§ امام باقر (ع) فرموده است: «در هنگامی که اوضاع روزگار دگرگون شود و مردم گویند: قائم مرده یا هلاک شده یا بگویند: به کدام بیابان رفته است و آنها که خواستار نابودی او می باشند بگویند: کسی که استخوانهایش پوسیده شده چگونه ظهور می کند؟! شما به ظهور او امیدوار باشد و چون بشنوید که ظهور نموده است به سوی او بشتابید ولو با خزیدن از روی برف باشد.»

§ امام صادق (ع) فرموده است: «روش غیبتی که در پیغمبران بود، طاق النعل بالنعل (با همه خصوصیاتش) درباره قائم ما اهل بیت جاری شود... و او همچنین فرزند پسر موسی است او پسر خاتون کنیزان است، غیبتی کند که اهل باطل در آن به شک افتند، سپس خداوند او را ظاهر نماید و شرق و غرب زمین را به دست وی فتح کند. عیسی بن مریم فرود آید و پشت سر او نماز گذارد و زمین به نور صاحبش روشن آنجا پرستش خدا شود و دین همه خاص خدا شود گرچه مشرکان نپسندند.»

§ امام کاظم (ع) فرموده است: «آن قائمی که زمین را از دشمنان خدا پاک، و از عدل و داد پر نماید چنانکه از ظلم پر شده بود او پنجمین فرزند من است او را غیبتی طولانی است چون بر جان خود خائف است و در آن (عصر غیبت) گروههایی از دین برگردند و جمعی پایدار مانند، خوشا به حال شیعیان ما که در غیبت قائم به ولایت ما چنگ زنند و به دوستی ما و بیزاری از دشمنانمان ثابت بمانند آنان از ما آیند و ما نیز از آنهایم، ایشان به امامت ما راضی اند و ما به تشیع آنها پس خوشا به حال آنها، به خدا سوگند که آنان در روز قیامت در درجه ما و ما هستیم.»

§ امام رضا (ع) فرموده است: «قائم ما کسی است که چون خروج کند، در سن پیران و سیمای جوانان است و به قدری نیرومند است که اگر به بزرگترین درخت روی زمین

دست دراز کند آن را از بیخ برکند و اگر میان کوهها فریاد زند، سنگها پاشیده شوند عصای موسی و انگشتر سلیمان را به همراه دارد. او چهارمین فرزند من است، خداوند هر چه خواهد او را در حجاب و پرده خود غایب کند سپس ظاهرش نماید و زمین را به دست او از عدل و داد پر کند چنانکه از ظلم و ستم پر شده است.»

§ امام جواد (ع) فرموده است: «قائم ما همان مهدی (عج) است. او کسی است که در زمان غیبتش واجب است انتظار کشیده شود و هنگامی که ظهور کرد اطاعتش کنند و او سومین نفر از فرزندان من است. قسم به آن خدایی که محمد (ص) را مبعوث به نبوت فرمود و ما را امامت انتخاب نمود، اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز را چنان طولانی گرداند تا اینکه قائم ما در آن روز خارج شده و ظهور نماید. پس با ظهورش زمین را از عدل و داد پر کند، چنانکه تا آن زمان پر از ظلم و ستم بود.»

§ امام حسن عسکری (ع) فرموده است: «شما مردم را چنان می بینیم که بعد از من درباره جانشینم اختلاف پیدا می کنید. آگاه باشید! کسی که معتقد به امامت امامان بعد از پیغمبر باشد، ولی فرزند مرا انکار کند مانند آن است که تمام پیغمبران را باور دارد ولی نبوت پیغمبر خاتم (ص) را منکر شود. در صورتیکه هر کس منکر رسول خدا (ص) باشد، در واقع همه پیغمبران را انکار نموده است. زیرا اطاعت آخرین نفر ما مانند اطاعت اولین آنها است و هر کس که منکر اولین معصوم ما شود، آخرین نفر ما را انکار نموده است.»
(دوانی/ص 391)

آیا در کتب اهل سنت روایاتی پیرامون وجود و ظهور و سیره امام مهدی (عج) نقل شده است؟
اگرچه عقیده به وجود «مهدی موعود» در بین شیعه، موج بیشتری دارد و شاید روایات وارده در این موضوع بالغ بر یک هزار حدیث باشد اما بعضی از پژوهندگان مسائل اسلامی، تعداد روایاتی را که از اهل تسنن در این زمینه وارد شده، به دوست حدیث تخمین زده اند. باری هر چند که خفقان عمومی در دروان بنی امیه و بنی عباس و دستهای مقتدر و مرموز سیاست وقت و تعصبات شدید مذهبی اجازه نمی داد که اخبار مربوط به ولایت و امامت مورد مذاکره و ثبت و ضبط قرار گیرد ولی باز هم کتابهای اصلی سنت از احادیث مربوط به حضرت مهدی (عج) خالی نیست که در اینجا به چند نمونه اشاره می کنیم:

§ حدیثی گوید: رسول خدا (ص) خطبه می خواندند که در خلال سخنان از آنچه در آینده به وقوع خواهد پیوست گفته و فرمودند: «اگر از عمر روزگار جز یک روز نمانده باشد خداوند آن روز را چنان طولانی کند که مردی از فرزندانم که هم اسم من است برانگیخته شود.»

سلمان عرض کرد: ای رسول خدا از کدام فرزندان خواهد بود؟ حضرت فرمود: از این فرزندم و با دست مبارک به پشت امام حسین (ع) زدند.» (جوینی / ص 325)

§ **و عبدالله بن مسعود گوید:** پیامبر اکرم (ص) فرمود: «اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد خداوند متعال آن روز را آنقدر طولانی می گرداند تا مردی از امتم و اهل بیتم مبعوث شود نام او نام من است و زمین را پر از عدل و قسط می کند، چنانکه پیش از آن پر از ظلم و جور بوده است.» (مالکی / ص 394)

§ و نیز از همان حضرت روایت کرده اند که فرمود: «مهدی موعود از عترت من و اولاد فاطمه است.»

§ و ابوسعید خدری از پیغمبر (ص) روایت کرده که فرمود: «در آخرالزمان بلای سختی از جانب سلطان بر امت من نازل می شود، بلایی که سخت تر از آن شنیده نشده است بطوریکه زمین فراخ بر آنها تنگ شده پراز جور و ستم می شود. مومنین پناهگاه و دادرسی از ظلم و ستم نمی یابند. پس خدا مردی از خانواده مرا می فرستد تا زمین را پر از عدل و قسط کند، چنانکه از ظلم و جور پر شده است. ساکنین آسمان و زمین از او راضی خواهند بود. زمین تمام گیاهان خود را برایش می رویاند و آسمان بارانش را پی در پی فرو می فرستد بطوریکه مردگان آرزوی زندگی دوباره می کنند هفت سال یا نه سال در بین مردم زندگی می کند.» (شافعی / ص 493)

§ و نیز از آن حضرت روایت شده که فرمود: «مهدی ما پیشانی بلند و باریک بینی است. زمین را پر از عدل و داد می کند چنانکه از ظلم و بیدادگری پر شده است، مدت هفت سال حکومت می کند.» (فندوزی / ص 163)

انتظار فرج یا آرزوی شورآفرین

بعضی از سنتهای الهی هستند که حیات جوامع براساس آنها جریان می یابد و زندگی افراد را در جامعه دستخوش دگرگونی می سازند. یکی از برجسته ترین این سنتها پیروزی حق و راندن باطل است:

و قل جاء الموت و زهو الباطل ان الباطل كان زهوقاً¹

«بگو حق بیامد و باطل نابود شد. که باطل نابود شونده است.»

کشتی زندگی سرانجام بر کرانه های دریای رحمت خدا لنگر خواهد انداخت که رحمت خدا بر غضب او پیشی گرفته و از سویی خداوند مردم را آفرید تا بدانها رحمت آرد. پروردگار سبحان ما را بدین سنت متوجه می سازد، سنتی که اگر در تاریخ بشر و در ظواهر هستی در آن نیک تأمل کنیم آثار آن را به روشنی تمام خواهیم دید:

هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الصو لبطرره علی الدین کله ولو کره المشرکون²
 «اوست آن که رسولش را به هدایت و دین حق فرستاد تا بر سایر کیشها چیره اش گرداند هر چند
 مشکران را ناخوش آید.»

تا زمانی که آسمانها و زمین به حق و برپایه حق آفریده شده اند، قدرت و حاکمیت و سیادت حق نیز
 باید با سیر هستی در پیوند باشد و به رخصت خداوندی نتیجه تکامل حوادث و رویدادهای هستی باشد.

و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون³
 «و در زبور بنوشتیم پس از ذکر که بندگان شایسته من زمین را ارث برند.»

این حقیقت که مکاتب الهی بر آن تاکید کرده اند تنها محدود به یک قوم و یا منحصر به وراثت
 صالحان در قسمتی محدود از زمین نیست. بلکه بیانی است برای سنتی الهی و عمومی که در شورشها و
 انقلابهای صالحان بر ضد ستمگران و طاغوتیان متحقق می شود و بطور کامل در وراثت صالحان از
 تمام جهان تجلی می یابد. دلیل ما بر این سخن آن است که:

اولاً: کلمه ارض (زمین) در آیه مذکور با الف و لام آمده که خود نشان دهنده آن است که مراد از
 «الارض» تمام زمین است.

ثانیاً: تاکید قرآن بر این حقیقت در چندین کتاب آسمانی دیگر آمده است و مجالی برای شک در این
 نکته باقی نمی گذارد که این امر سنتی است الهی که خداوند روند رویدادهای هستی را مطابق با آن به
 جریان می اندازد تا بالاخره بطور کلی متحقق گردد.

و نرید ان نمکن علی الذین استضعفوا فی الارض و جعلهم ائمه و جعلهم الوارثین* و نمکن لهم
 فی الارض و تری فرعون و هامان و جنودهم من هم ما کانوا بهذرون⁴

«و خواهیم بر مستضعفان در زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان قرار دهیم و فرمانروایشان
 دهیم در زمین و به فرعون و هامان و سپاهیان ایشان نشان دهیم آنچه را که از آن می ترسیدند.»

1- سوره اسراء آیه 81

2- سوره توبه آیه 32 3- سوره انبیا آیه 105 4-سوره قصص آیات 5 و 6

تجربه های بشری حاکی از آن هستند که روند طبیعی نظامهای حاکم بر زمین به گونه ای است که با اتکا به آنها نمی توان بدین آرمان والا و نهفته در روح افراد بشر که عبارت از همان تحقق یافتن مدینه فاضله است دست یازید. جایی که عدل و داد در آن برتری دارد و حق بی هیچ شریکی در چهار گوشه آن حکم می راند. بنابراین چطور و چه هنگام می توان بدین آرمان فطری و مشروع جامه تحقق پوشاند؟ آیا ممکن است بشر به گونه ای معمولی تکامل یابد تا به این درجه والا برسد؟ زراد خانه های سلاحهای اتمی و شیمیایی و توطئه های مستکبران بر ضد مستضعفان و عقب نشینی آشکار بشریت از میدانهای فضیلت و هدایت و فروافتادن خوفناک آن در پرتگاه فساد و تجاوز و ستمگری دلیلی آشکار بر اینکه تنها راه تحقق اهداف و آرمانهای انسان همان رحمت خداست که انسان را از تاریکی ها به سوی روشنایی بیرون آورد. این رحمت تنها در ظهور امام حجت (عج) دوازدهمین امام از خاندان رسول خدا خاتم پیامبران و مقتدای راستکاران متجلی است و ایمان بدین حقیقت راست در دلهای مومنان شعله ای جاوید از آرزو و امید برمی افروزد، امید و آرزویی که در حرکت تکاملی انسان به مثابه نیروی محرکه او محسوب می شود. این امید الهی است که با شاخصه «سعی و تلاش» با آرزو و امید تفاوت می یابد. زیرا سعی برای متحقق ساختن این امید الهی شرطی ضروری به شمار می رود حال آنکه آرزو و امید توجیهی است برای ماندن و حرکت نکردن. این آرزو و امید است که مجاهدان را از تیرگیهای ناامیدی و یاسی که شیطان با بهره گیری از شرایط خفقان و اضطراب و ناتوانیهای مادی در دل آنان راه داده رهایی می بخشد. این امید و آرزویی است که بر نگاهها و مواضع فرد منعکس می شود و بدان رنگی از خوش بینی مثبت می زند و روح بدبینی و گمان و منفی بافی و شکست که دستگاههای طاغوت و وسوسه های طاغوتیان می کوشند آن را در جسم و جان عاملان و کوشندگان راه خدا تزریق کنند از آنها می راند و می زداید. شاید به خاطر همین حکمت باشد که در حدیث نبوی آمده است: «برترین کارهای امت من، انتظار فرج است».

امام زمان (عج) نیز مانند سایر امامان (ع) حجت و خلیفه خداست:

«السلام علیک یا حجه الله فی عباده» (بحار الانوار ص 227)

«سلام بر تو ای حجت خداوند در بین بندگانش».

و فرموده اند که نقش انگشتی آن حضرت چنین است:

«انا حجه الله و خالصته»

«من حجت خدا و خالص و برگزیده اویم».

این عناوین نیز در موارد مختلف آمده است:

«حجتك على خلقك» (مفاتیح الجنان، اعمال روز جمعه)

«حجه الله فی ارضه» (مفاتیح الجنان، زیارت جمعه)

«حجه الله على خلقه» (مفاتیح الجنان، زیارت آل یاسین)

«مجه الله» (مفاتیح الجنان، زیارت صاحب الامر)
 «مجتك فی ارضك» (مفاتیح الجنان، دعای یاسین)
 «مجه الله التی لا تخفی» (مفاتیح الجنان، زیارت صاحب الامر)
 «مجه الله علی من فی الارض» (مفاتیح الجنان، زیارت صاحب الامر)

دیدار با امام زمان :

دیدار امام زمان (عج) پیش از آنکه به عاملی، زمانی یا مکانی بستگی داشته باشد، به عوامل روحی و معنوی وابسته است. باید حجاب از چهره جان و دیه دل برداشته شود، تا قابلیت دیدار حاصل آید. آنکس که دل به مهر جمال دل آرایش باخته و هوای وصال او را در جان می پرورد بیش از هر چیز باید به ترک گناه بیندیشد و به انجام واجبات و مستحبات اهتمام ورزد. چون خود آن حضرت فرمودند: «فما یحبسنا عنهم الا ما یتصل بنا مما نکرهه و لا نؤثره منهم» اگر نامه های عمل شیعیان که هر هفته به ساحت مقدس عرضه می شود، سنگین از بار گناهای نبود که ناخوشایند آن بزرگوار و خلاف توقع و انتظار ایشان از یاورانشان است این دوری و جدایی به درازا نمی کشید.

گفتم که روی خوبت، از من چرا نهان است؟ گفتا تو خود حجابی، ورنه رخ عیان است

با نگاهی گذرا به شرح حال کسانی که در طی دوران غیبت کبرای مولا امام زمان (عج) سعادت شرفیابی به حضور مقدسش را داشته یا از کرامات و معجزات و عنایات خاصه آن حضرت بهره مند گشته اند، می توان دریافت که بیشترین و مهمترین عامل در حصول این توفیق الهی برای آنان، همان توجه قلبی و مواظبتهای عملی و رعایت تقوی و استمرار بر گونه ای خاص، از عبادت خداوند و اطاعت اولیایش بوده است. با این همه نقش زمانهایی خاص، چون مکه مکرمه، چون شبهای جمعه، نیمه شعبان، نیمه رجب و مکانهایی خاص، مسجد سهله و مسجد جمکران برای حصول دیدار قائم آل محمد (ص) و بهره مندی از عنایات و الطاف آن حضرت نباید نادیده گرفته شود.

کرامتهای حضرت مهدی (عج)

به یقین شیفتگانی که در راه محبت مولای خویش، دست از هوای نفس شسته و جان خویش را از کژبها پیراسته و دل را به معنویتها آراسته اند و یا حداقل به حالت اضطراب رسیده اند اگر از برکات زمانی مناسب چون شب جمعه و مکانی مناسب چون مسجد جمکران بهره گیرند، آسانتر به وصال می رسند و بی پرده تر از فیوضات آن امام رحمت تاثیر می پذیرند. وقتی بناست مسجد جمکران خانه حجه بن الحسن (عج) و مهمانخانه او باشد، طبیعی است که شرافت حضور آن حضرت را بیش تر

دریابد و بدیهی است که زائر این مسجد خصوصاً آنگاه که با معرفت و حضور قلب و با شوق دیدار و توسل خالصانه آمده باشد، سعادت بهره وری از عنایات خاصه آن حضرت را بیش تر داشته باشد. این تاریخ مسجد جمکران است - مسجد مخصوص امام زمان (عج) که هزار و اندی سال پیش، به دستور حضرتش ساخته شد - آکنده از هزاران خاطره شیرین از معجزات و کرامتها و الطاف خاصه آن بزرگوار رئوف نسبت به شیعیانی که از دور و نزدیک با کوله باری از امید برای شفا طلبیدن یا حاجت خواستن یا رخصت دیدار یافتن به آستان مقدسش مشرف می شده اند.

نمونه یکی از کرامات امام زمان (ع):

نجات پیدا کردن از اعدام در زندان رژیم شاهنشاهی توسط امام زمان (عج)

مردی به نام حاج مومن در شیراز بود که جمعی به تقوی و اخلاص و مقام یقین و انقطاع او شهادت می دهند. در زمان رژیم سابق، مامورین ساواک نزد پسر دائی حاج مومن به نام عبدالنبی چند قبضه اسلحه پیدا می کنند و متوجه می شوند که او از افراد انقلابی است و بالاخره او را محکوم به اعدام می نمایند. وقتی حکم اعدامش به گوش پدر و مادرش می رسد آنها مضطرب می گردند و به نزد مرحوم حاج مومن می روند و از او تقاضای دعا می کنند.

حاج مومن می گوید: «از رحمت خدا مایوس نشوید! امروز تمام امور کائنات در دست حضرت بقیه الله (عج) است و من با شما همین امشب که شب جمعه است در یک محل متوسل به حضرت ولی عصر (عج) می شویم، خدای تعالی قادر است که از برکات وجود مقدس آن حضرت فرزندان را نجات دهد.» پس شب جمعه را حاج مومن و پدر و مادر آن شخصی که می خواسته اعدام شود احیاء می گیرند و چند رکعتی برای تصفیه روحشان نماز می خوانند سپس با دعاها و زیارتیهایی که دستور داده شده متوسل به آن حضرت می گردند و بعد مشغول تلاوت آیه شریفه «امن یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء»^۱ می شوند و به آن حضرت عرض می کنند که: «آقا! این جوان به خاطر رفع ظلم از سر شیعیان شما، به تهیه اسلحه مبادرت کرده و هدفی جز دفاع از مظلوم نداشته و بلکه به خاطر یاری دین اسلام خودش را به خطر انداخته است، لذا از شما نجات او را درخواست می کنیم.» بالاخره این مناجات و این تضرع و زاری تا اواخر شب طول می کشد که ناگهان هر سه نفر متوجه می شوند که تمام اطاق را بوی عطر و مشک عجیبی احاطه کرده و آثار اظهار لطف حضرت بقیه الله (روحی و ارواح العالمین لثراب مقدمه الفداء) اطاق را روشن می کند و هر سه نفر آن حضرت را در بیداری زیارت می کنند و آن حضرت با کمال محبت به آنها دلداری می دهد و رو به پدر و مادر آن جوان اعدامی می کنند و می فرمایند: «دعای شما مستجاب شد، خداوند فرزند شما را نجات خواهد داد و همین فردا به منزل بر می گردد.» مرحوم حاج مومن نقل می کرد که: «پدر و مادر آن جوان وقتی آن جمال مقدس را دیدند و آن کلام دلربا را از آن حضرت شنیدند بی طاقت شده و تا صبح مدهوش

روی زمین افتاده بودند. صبح که آنها به هوش آمدند و به سراغ فرزندشان که قرار بود همان روز اعدام شود رفتند از مسئولین زندان سؤال کردند: «فلانی چه شد.» آنها در جواب گفته بودند: «دیشب ناگهان تصمیم عوض شد و فعلاً اعدام او به تاخیر افتاد و بنا شده که در خصوص محکومیت او تجدید نظری شود.» آنها خوشحال به منزل بر می گردند و هنوز ظهر نشده می بینند که آن جوانی زندانی، به منزل آمده و آزاد گردیده است.

شناختن امام زمان (عج) واجب است

تحقق ایمان، بدون شناخت امام زمان (عج) ممکن نیست، بر این مطلب هم دلیل عقلی وجود دارد وهم دلیل نقلی

1- دلیل عقلی:

همه علتها و فلسفه هایی که برای ضرورت و لزوم وجود پیامبر گفته اند، برای ضرورت وجود جانشین و وصی پیغمبر نیز صادق است. بنابراین پس از وفات آن حضرت لازم است تا مردم به جانشین پیغمبر در شؤون مختلف زندگی خود مراجعه کنند، همانگونه که به پیغمبر مراجعه می کردند. پس بر خداوند لازم است که او را نصب فرماید و بر مردم نیز واجب است آن امام را بشناسند، زیرا که پیروی کردن بدون معرفت و شناخت امکان ندارد.

سؤال: پیامبر اکرم (ص) از جانب خداوند قواعد و احکامی را که مردم در امور معاش و شئون زندگی مادی و جنبه های اخروی و امور مربوط به معاد نیاز داشتند برای مردم بیان نمود، دیگر چه نیازی به وجود امام (عج) است؟

جواب: پیغمبر (عج) قواعد را به طور «کلی» بیان فرموده و دستورات دین را به مقدار موردنیاز عموم در «آن زمان» تشریح کرده است و این مطلب با مراجعه به احادیث پیغمبر اکرم (ص) روشن می گردد. بنابراین احتیاج مردم با آن مقدار از بیان برطرف نشده، بلکه پاره ای از مسائل حتی بر علما و دانشمندان بزرگ پوشیده می ماند- تا چه رسد به دیگران- پس افراد بشر از وجود امام و پیشوای معصوم بی نیاز نبوده و ناگزیر هستند تا به او مراجعه کنند و مطالب موردنیاز خویش را از او بیاموزند. تردیدی نیست که پیغمبر اکرم (ص) تمام احکام و علوم را به وصی خود سپرده که پس از ایشان، رهبری مردم را- از طرف خداوند- به عهده داشته باشند و هر امامی به امام بعد از خودش سپرده تا اینکه نوبت به امام زمان ما- عجل الله فرجه الشریف- رسیده است. علاوه بر این، اگر فرض کنیم تمام علما و دانشمندان به تمام احکام عمل کنند، باز هم وجودایشان ما را از وجود امام بی نیاز نمی سازد، زیرا که آنان از سهو و اشتباه معصوم نیستند. پس در هر زمان به وجود شخص معصومی که از خطا و اشتباه محفوظ باشد نیاز

هست تا مرجع و پناه مردم بوده حقایق احکام را برایشان بیان فرماید و آن شخص معصوم هیچکس جز امام نیست.

سوال: نبودن امام با بودنش در حالیکه از دیدگان مردم پنهان و غایب باشد چه فرق می کند؟

جواب: اولاً مانع ظهور و آشکار بودن امام ناشی از خود مردم است، غیبت آن حضرت دلیل نمی شود بر اینکه احتیاجی به وجود آن حضرت نیست بلکه بر مردم واجب است که موانع ظهور را برطرف سازند تا از نور مقدسش بهره مند شوند و از انواع علوم معارفش استفاده کنند.

ثانیاً: غیبت آن حضرت در همه زمانها و از همه انسانهای مومن نیست بلکه برای بسیاری از بزرگان مومنین اتفاق افتاده است که به خدمت حضرتش شرفیاب شده و به محضر مقدسش راه یافته اند. جریانات آنان در کتابهای علمای بزرگوار ما ضبط است و بیان آنها فعلاً از بحث ما خارج است.

ثالثاً: منافع وجود مبارک آن حضرت منحصر در بیان علوم نیست بلکه همه آنچه از مبدأ و سرچشمه فیض الهی به مخلوقات می رسد، از برکات وجود او می باشد.

1- دلیل نقلی:

روایات بسیاری - که در حد تواتر است - در این باره وارد شده که ما به خاطر رعایت اختصار به ذکر قسمتی از آنها اکتفا می کنیم:

(1) امام صادق (ع) درباره آیه مبارکه (ولله الاسماء الحسنی فادعوه بها) و برای خداوند نیکوترین نامها است، پس او را با آنها بخوانید. فرمود «به خدا قسم، ما آن اسماء حسنی (نیکوترین نامها) هستیم که خداوند هیچ عملی را از بندگان نمی پذیرد مگر با شناخت و معرفت ما» (اصول کافی / ص 249)

(2) امام باقر (ع) فرمود قله و بلندی مقام و کلید آن و راه اشیاء و رضایت پروردگار اطاعت از امام است. اگر شخصی شبها به عبادت برخیزد و روزها را روزه بدارد و تمام مالش را صدقه دهد و همه سالهای عمرش حج خانه کعبه را انجام دهد اما ولایت ولی خدا را نشناسد تا از او پیروی کند و تمام اعمالش با راهنمایی او انجام پذیرد برای او حق ثواب نزد خداوند نیست و او از اهل ایمان نمی باشد. (اصول کافی / ص 285)

(3) حارث بن مغیره گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم: آیا پیامبر (ص) فرموده: «هرکس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است؟!». امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است؟!.

فرمود: آری عرضه داشتم: این کدام جاهلیت است آیا جاهلیت مطلق یا جاهلیت کسی که امامش را نشناخته؟ فرمود: «جاهلیت کفر و نفاق و ضلال».

4) امام صادق (ع) از پیامبر اکرم (ع) روایت کرده که فرمود: «هر کس منکر قائم از فرزندانم شود، مرا انکار کرده است.» (اصول کافی / ص 377)

البته اخبار بسیار دیگری از ائمه اطهار (ع) در این باب آمده است.

اما منظور از معرفت و شناخت:

اولاً: شناخت شخص امام با اسم و نسب او است.
ثانیاً: شناخت صفات و خصوصیات او که با آنها از دیگران امتیاز می یابد.

کتاب آسمانی موجود	همه گویند از تو ای موعود
از زبور و صحف و یا تورات	یا ز انجیل و شاهد و مشهود
از رسولان اول و آخر	نوح و عیسی، کلیم و آدم و هود
شیث و شعیا و یونس و ذالکفل	خضر و الیاس و یوسف و داوود

هم ز اسحاق هم ز اسماعیل	هم خلیل و محمد محمود
همه ادیان شرقی و غربی	اهل اسلام و عیسوی و یهود
متن دستوره های کنفوسیوس	یا برهمنیان و دین هنود
همه یک جمله می کنند بیان:	باز گرد ای نجاتبخش وجود

تساهل و تسامح و ظهور مهدی موعود

یکی از آثار دنیازدگی و رفاه طلبی تحریف دین به نفع رسیدن به دنیاست از مصادیق بارز این امر، می توان به تساهل و تسامح در دین اشاره کرد که همین تساهل و تسامح خود پیامدهایی به دنبال دارد که چنان ضرباتی بر پیکره ی جامعه ی اسلامی وارد می کند که قابل جبران نمی باشد در حوزه های مختلف زندگی اجتماعی رسوخ می کند هر جایی که دین در زندگی حضور دارد تساهل و تسامح در دین می تواند موثر واقع شود و نقش دین را در بیشتر جاها از بین ببرد. هر چند که ظاهر دین ممکن است در آن حوزه بروز و ظهور داشته باشد. لکن محتوای آن دینی نیست و در خیلی از موارد نیز نقش دین را کمرنگ و بی جلوه می کند. عبارت تسامح و تساهل از مواردی است که تحریف معنوی در آن صورت گرفته است یعنی اگر هم در دین اسلام تساهل و تسامحی وجود دارد که دارد البته با تعریف خاص خود که به آن اشاره خواهد شده، متأسفانه توسط برخی از افراد به گونه ای مطرح شده

است که معنای اصلی خود را از دست داده است. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: دین اسلام دین سهله و سمحه است یعنی دینی است که در آن افراط و تفریط و جهل و جمود وجود ندارد. آئینی است که بر پیروان خود سخت گیر و خشن نیست، اما در زندگی اجتماعی افراد هیچگاه قائل به تعطیلی دین و شریعت نمی باشد مرزها را در هم نمی ریزد حلال و حرام را با هم نمی آمیزد به تعطیلی واجبات و تشویق به ارتکاب محرمات توصیه نمی کند. نه آنگونه که در جامعه اسلامی قبل از قیام امام حسین (ع) بروز و ظهور داشت و نه آنگونه که امروز عده ای از افرادی که خود را صاحب اندیشه و خرد می دانند از تساهل و تسامح برداشت می کنند. این برداشت که تساهل و تسامح در جامعه امروزی اینگونه است که دامنه آن مرزهای گناه و ثواب را در هم می ریزد و امور شخصی و زندگی اجتماعی افراد بشر را مختل می سازد. برداشتی بس ناصواب و نادرست است که توسط افرادی با گرایشهای دنیوی مطرح میشود این افراد در واقع رهپویان همان روندگان صدر اسلام هستند که دین را آنگونه که به دنیای آنان ضرر نرساند تحریف می کردند و دینی را ترویج می کردند که کاملاً با دنیاخواهی و رفاه طلبی و ثروت اندوزی بی حساب و کتاب آنان منطبق باشد. لذا از دین و آموزه های دینی و گفتار بزرگان اینگونه سوء استفاده می کردند و ذهنهای خالی از معارف یا کج اندیشان هم اقبالی بطرف آنان نشان می دادند و جامعه را دچار فتنه و بحران می کردند و باعث انحراف عده ای از افراد جامعه اسلامی می شدند. امام زمان همچنین با دینهای منحرف به مبارزه خواهد برخاست.

وظیفه مردم در دوران غیبت کبری

پس از درگذشت آخرین نائب امام زمان (عج) دوران غیبت صغری به سر آمد و دوران غیبت کبری حضرت آغاز شد، مهمترین سؤالی که ذهن هر مؤمنی را به خود مشغول می کند این است که راستی در زمان غیبت کبری امام زمان (ع) که امکان دسترسی به حضرت نیست مشکلات و معضلات عقیدتی، فقهی و اجتماعی مردم به دست چه کسی پاسخ داده می شود؟

پاسخ سؤال فوق در یک کلام و سخن کوتاه این است که در دوران غیبت کبری امام زمان (عج) فقیهان رسماً وارثان انبیاء و رهبران دینی می شوند و در این امر مهم مهمترین وظیفه را بعهده دارند.

چند سالی است که با تدابیر مقام معظم رهبری، هر سال به یک عنوان نامگذاری می شود که خود آثار و برکات فراوانی را در سطوح مختلف و عرصه های گوناگون در برداشته است. رهبر معظم انقلاب در پیام نوروزی خود سال 1386 را سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی نامگذاری کردند که در واقع ادامه روند محوریت سال گذشته که همانا سال پیامبر اعظم (ص) بود، است. امید است با بهره گیری از سیره آن رسول بزرگوار و تعالیم و دستورات سعادت‌مندانه شان و با محوریت قراردادن این فراز حکیمانه و اصولی که از سوی رهبر معظم انقلاب بیان شد بتوانیم سالی پر از موفقیت و پیشرفت هرچه بیشتر و بهتر

را در ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی داشته باشیم. چنانچه مروری بر سخنرانیها و ارشادات بنیانگذار فقید جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) داشته باشیم به خوبی در می یابیم که آن رهبر راحل عظیم الشان همواره در جای جای جملات و سخنان هوشیارانه خود موضوع اتحاد و همدلی را چه در سطح داخلی و چه در سطح جهان اسلام مورد توجه و تذکر قرار داده و تاکید می کردند که چنانچه ممالک، دولتها و ملت‌های اسلامی در سایه اتحاد و انسجام و هدف واحد که همانا تحقق اسلام ناب محمدی (ص) است قرار داشته باشند می توانند سرنوشت و آینده ای روشن، سعادت‌مند و قدرتمند داشته باشند. در وصیت نامه سیاسی - الهی حضرت امام راحل (ره) این درسنامه بزرگ و این چراغ هدایتگر انقلاب و منشور بقای آرمانهای انقلاب، وحدت کلمه و اتحاد رمز پیروزی قلمداد شده است. چرا که در زیر لوای همین اتحاد و همدلی و وحدت در هدف و کلمه بود که مردم شریف کشورمان توانستند با مبارزات و پایه ریزی سنگ بنای انقلاب و در نهایت پیروزی بر حاکمان و نظام استبدادی ستمشاهی پهلوی موجبات استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی را فراهم آورند.

تعالیم دین مبین اسلام، فرمایشات و سیره ائمه معصومین علیهم السلام، احادیث و آثار بجای مانده از بزرگان دین و معنویت و از همه مهمتر روح بسیاری از آیات حیات بخش و روشنگر قرآن کریم همواره بر موضوع اتحاد و انسجام تاکید ورزیده اند که در جای خود نیاز است. بطور اصولی و مستمر بدانها پرداخته شود.

اتحاد ملی و انسجام اسلامی از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری

امسال از سوی مقام معظم رهبری به نام اتحاد ملی و انسجام اسلامی نام گرفت. در اینجا است که می فهمیم امام خمینی (ره) چرا بارها تاکید می نمود که انقلاب اسلامی ایران توسط امدادهای غیبی پیروز شده است و ماجراهایی می بینیم و می شنویم که نشانه این امدادهای غیبی الهی است. مانند واقعه طبس که امام فرمود شنهایی که سربازان آمریکایی را ناکار نمود و شکست داد و مانع موفقیت آنها شد ماموران الهی بودند...

وحدت کلمه و یکپارچگی و کنار گذاشتن اختلافات جزئی دوستداران انقلاب اسلامی و لزوم اتحاد و اتفاق کلمه میان مسلمانان و توجه به توحید کلمه بر محور کلمه توحید ضرورتی است که از تعالیم و آموزشهای اساسی آئین اسلام و اصول فرهنگ قرآنی سرچشمه می گیرد.

براین اساس قرآن کریم یکی از مهمترین و سازنده ترین اهداف رسالت رسول اکرم (ص) را تالیف قلوب و ایجاد انس و تفاهیم به جای خصومت و دشمنی بیان می کند و اگر کسی در تاریخ به دیده عبرت بنگرد این معنی را از شاهکارهای رسالت محمدی (ص) می یابد.

پس 'اتحاد ملی' و 'انسجام اسلامی' چه چیزی را در ذهنمان تداعی می کند؟ چرا رهبر فرزانه انقلاب امسال را به این نام نامگذاری کرده اند؟ مگر تاکنون چنین اتحاد و انسجامی وجود نداشته است؟ حال وظیفه مردم، احزاب، رسانه ها، گروه های مرجع و به ویژه مسئولان برای تحقق این شعار چیست؟ امسال چقدر می توانیم به این شعار جامه عمل بپوشانیم راهکار و ابزار لازم برای تحقق این شعار در کشور چیست؟

اتحاد ملی را از چند منظر می توان نگاه کرد نخست تنوع قومی، زبانی، فرهنگی و اقلیتهای مذهبی سپس ادغام اجتماعی یعنی همه گروه ها اجتماعی احساس کنند در یک نقطه اشتراک دارند و آن تابعیت جمهوری اسلامی ایران است و سومین منظر تلاش برای ارتقای منزلت و جایگاه کشور است. علل انتخاب شعار 'اتحاد ملی و انسجام اسلامی' از سوی رهبر معظم انقلاب این است که: این شعار بهترین شعاری است که با توجه به موقعیت ایران در منطقه و توطئه های اخیر غرب برای اختلاف میان مسلمانان و گروههای اسلامی مطرح شد، اما نباید این نکته را نیز فراموش کرد که نقش آفرینی ایران در مسائل منطقه ای نیازمند دولتی قوی و کارآمد است که در سایه وحدت ملی و توجه مردم به منافع کشور محقق می شود.

زیبایی دیگر این نامگذاری در این است که خرده فرهنگهای موجود در جامعه که در اصل و ارزشهای اساسی نظام اسلامی مشترک هستند حول یک محور گرد هم می آیند. وظایف مسئولان، مردم، احزاب، رسانه ها و گروههای مرجع در خصوص اتحاد ملی باید مهندسی شود: وظیفه مسئولان فراهم کردن زمینه حضور گسترده تر مردم در فعالیتهای اجتماعی داشتن حس مسئولیت پذیری در قبال مسائل کشور، رسانه ها همچون آئینه ای برای انعکاس خواستههای مردم از مسئولان باشند و در نهایت وظیفه احزاب و گروههای مرجع برای تحقق اتحاد ملی، ایجاد شور و نشاط در مردم و جامعه و انعکاس اراده نخبگان سیاسی در مسائل کشور است. البته تحقق اتحاد ملی فرایندی است که چندسال طول می کشد و با چالشها و دشمنیهای دشمنان همراه است.

با اجرا دقیق اصل 44 قانون اساسی می توان به موفقیتهای چشمگیری در عرصه بین المللی دست یافت که این موضوع موجب می شود کشورهای اسلامی هویت گمشده خود را در الگوی ایران اسلامی بیابند.

درباره چیستی 'انسجام اسلامی' چنین است که دشمنان انقلاب اسلامی متوجه شده اند که این انقلاب موجب بیداری ملت‌های مسلمان شده بنابراین برای خفه کردن این حیات 'بیداری' دست به هر کاری از جمله تفرقه میان مسلمانان می زنند.

رهبر معظم انقلاب علت اصلی نامگذاری امسال به اتحاد ملی و انسجام اسلامی را هشدار به کشورهای مسلمان دانست و بیان نمود انسجام اسلامی نقطه عطف برای رسیدن به وحدت همه ملت‌های مسلمان

جهان است و تشکیل اتحادیه های اقتصادی کشورهای اسلامی برای رقابت در بازار اقتصادی دنیا از مهمترین راههای رسیدن به انسجام اسلامی می تواند باشد. مقام معظم رهبری با طرح نامگذاری امسال به اتحاد ملی و انسجام اسلامی ایده نجات بخشی را به مسلمانان ارائه کرده است. بنابراین اگر مسلمانان دقت بیشتری کنند قدر مسلم معادله قدرت در جهان به نفعشان تغییر خواهد کرد. مقام عظمای ولایت همچنین در مورد وظیفه مردم، احزاب، رسانه ها و مسئولان در قبال تبیین نامگذاری امسال نیز اضافه نمودند وظیفه اصلی مسئولان اجرای دقیق اصل 44 قانون اساسی است تا زمینه های مناسب فرهنگی و اقتصادی از این طریق فراهم شود و مردم نیز در حد خود در پیشبرد این اصل به دولت کمک کنند. احزاب وظیفه دارند این اصل اقتصادی را از مسئولان مطالبه کنند رسانه ها نیز وظیفه دارند اطلاع رسانی دقیقی از ظرفیتهای نظام درباره اصل 44 داشته باشند. اتحاد و انسجام میوه عمل به سیره پیامبر "ص" و ائمه هدی "ع" است. بنابراین به هر میزان در سال 86 اتحاد میان گروهها، احزاب، قوما و گروههای مختلف جامعه ایران و انسجام فرق و مذاهب کشورهای اسلامی با یکدیگر افزایش یابد به همان میزان به اهداف والای اسلام و پیامبر بزرگوار "ص" نزدیک شده ایم.

در مورد بیداری اسلامی و احیای هویت اسلامی می توان تصریح کرد «علما، اندیشمندان و روشنفکران و همچنین رهبران سیاسی بالاخلاص» کشورهای اسلامی باید از این فرصت استثنایی استفاده و دنیای اسلام را متوجه قدرت توده های میلیونی مسلمانان کنند. این کشورها با تکیه بر این قدرت عظیم مردمی ضمن ایستادگی در مقابل فشارها و تهدیدهای دشمنان مسیر ترقی و پیشرفت علمی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را بپیمایند.» همین کنشهای متناقض دیگران را به داوری بدی درباره ما رسانده و منافقانه بودن وحدت گرایی را به ذهنهای بی طرف یا مغرض می نمایاند. برآستی مراد از وحدت چیست و کدام هدف را نشانه رفته است. اگر قرار است با وحدت به اتحاد رسیده و در برابر دشمن مشترک بایستیم، تکلیف اختلافها چه می شود؟ آیا وحدت به معنای کوتاه آمدن از عقاید مذهبی است و یا تائید اعتقادات طرف مقابل؟

باتوجه به هدف یادشده می توان گفت مراد از وحدت کنار هم قرار گرفتن در یک سنگر است. این همسنگری هیچگاه به معنای تسلیم اعتقادی نیست. اگر هموطنان ارمنی برای دفاع از میهن به جنگ می روند یا از انرژی صلح آمیز هسته ای دفاع می کنند بدین معنا نیست که مسلمان شده اند یا هموطنان آذری دست از زبان خود برداشته اند یا هموطنان عرب، نژاد خود را فراموش کرده اند!

پس وحدت، گردآمدن و حرکت زیر یک علم مشترک است نه رها کردن پرچمها.

مقام معظم رهبری در اینباره با تاکید بر اینکه اختلافات عقیدتی و مذهبی مربوط به مباحث علمی و فقهی است و نباید در واقعیات زندگی و سیاسی بین مسلمانان تاثیر بگذارد می فرمایند: «امروز امت اسلامی در مسائل مهم خود تحت فشار آمریکا و همفکرانش قرار دارد و تنها راه رهایی از این فشار و

رسیدن به وحدت عملی، تمسک جمعی مسلمانان به ریسمان الهی و اعلام انزجار از رژیم ایالات متحده آمریکا به عنوان طاغوت اعظم است.»

وحدت یعنی مسلمانان را دعوت کنیم که به جای نشانه رفتن به قلب ما از جبهه مقابل خارج شده و در یک سنگر به ما پیوندند تا با هم، سینه دشمن را هدف قرار دهیم.

راهکارهای تقویت اتحاد ملی و انسجام اسلامی

مبانی لازم برای برنامه ریزی جهت شکل گیری و تقویت اتحاد ملی و انسجام اسلامی

در ذیل مبانی لازم برای برنامه ریزی و هدایت و شکل دهی اتحاد ملی و انسجام اسلامی ارائه شده است:

مراحل:

1- بیان اهداف کلی (غایتها) و اهداف رفتاری (تعیین انتظارات)

2- شناخت دقیق وضع موجود

3- تعیین شکاف بین وضع موجود و وضع مورد انتظار

4- تعیین دلایل و عوامل ایجاد شکاف

5- برنامه ریزی

6- اجراء

7- نظارت

8- ارزشیابی و بازخورد

بیان اهداف کلی (غایتها) و اهداف رفتاری (تعیین انتظارات)

غایتها بیاناتی هستند کلی و آرمانی که قصد و منظور دستگاه، سازمان یا نهاد مربوطه را بیان می کنند. هدفهای کلی بیشتر جنبه آرمانی دارند و غالباً خط مشی فلسفی موردنیاز برای تعیین هدفهای اختصاصی و محتوای برنامه های موردنیاز را به دست می دهند. غایتهای کلی را در سطوح مختلفی از کلیت و جامعیت می توان بیان کرد. برخی از آنها بسیار کلی هستند مانند هدف کلی ذیل:

«ایجاد زمینه لازم برای تقویت اتحاد ملی و انسجام اسلامی»

این غایت به دوره یا مرحله خاصی از آموزش و پرورش اختصاص ندارد و از سالهای اول تحصیلات ابتدایی گرفته تا آخرین سالهای تحصیل دانشگاهی و حتی پس از آن قابل انطباق است. حال برای نیل به این غایت بایستی آن را به غایتهای جزئی تری تبدیل و در نهایت آن را به اهداف رفتاری دقیق تبدیل کرد تا بتوان به صورت عملیاتی و دقیق برای آن برنامه ریزی نمود.

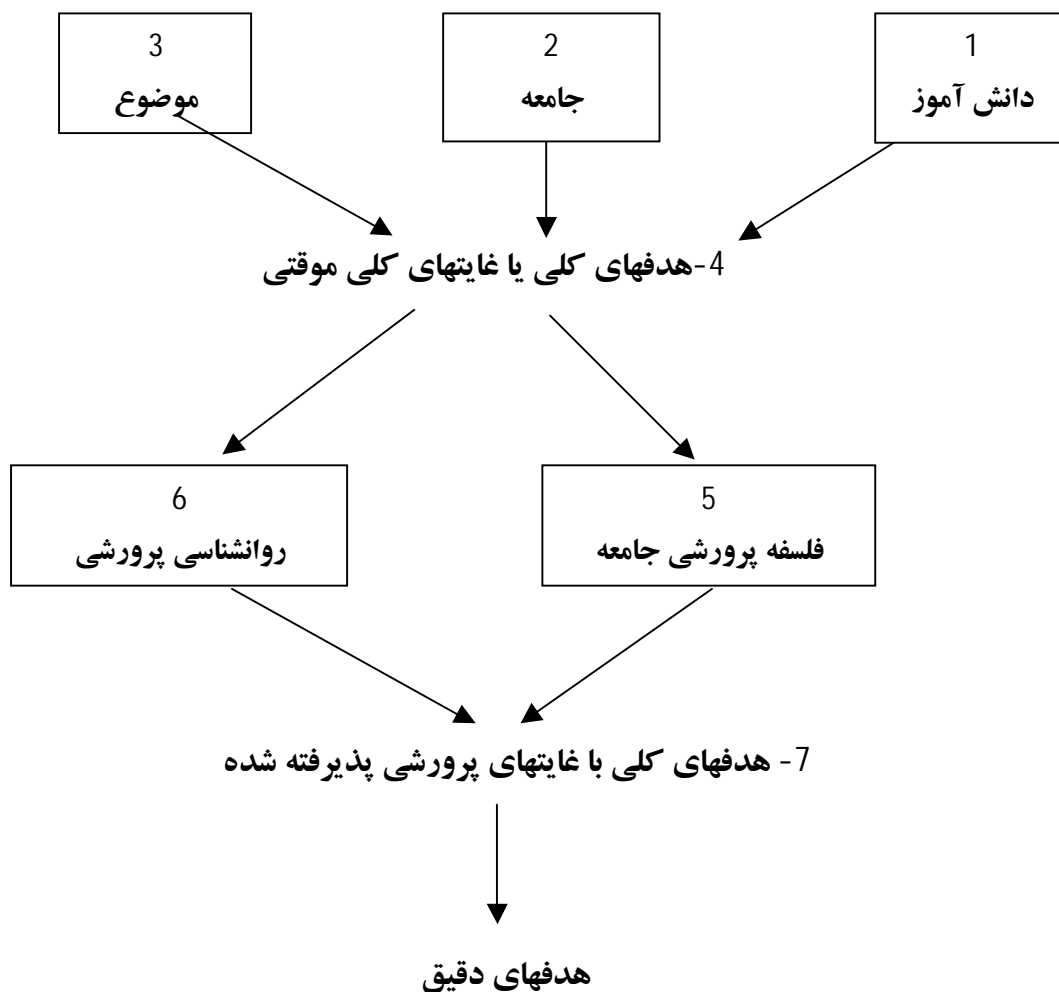
بعنوان مثال دو غایت جزئی تر نسبت به غایت کلی مذکور در ذیل ارائه شده است:

- نگارش داستانهای کوتاه برای دانش آموزان دوره ابتدایی که در آنها مضامین اتحاد ملی و انسجام اسلامی با توجه به سطح نگارش رشد کودکان ارائه گردد، به نحوی که پس از پایان دوره ابتدایی دانش آموز دانش لازم در این خصوص را کسب کرده و نگرش مثبتی به اتحاد ملی و انسجام اسلامی داشته باشد.
 - تدارک فیلمهای کوتاه برای دانش آموزان دوره ابتدایی که در آنها مضامین اتحاد ملی و انسجام اسلامی با توجه به سطح رشد کودکان ارائه گردد، به نحوی که پس از پایان دوره ابتدایی دانش آموز دانش لازم در این خصوص را کسب کرده و نگرش مثبتی به اتحاد ملی و انسجام اسلامی داشته باشد.
- همانگونه که ملاحظه می شود اهداف مذکور جزئی تر هستند و تقریباً محدود کار را مشخص کرده اند اما هنوز هم برای برنامه ریزی دقیق هدف مذکور بایستی به اهداف رفتاری دقیق تری تبدیل شود تا نحوه انجام کار و چارچوب آن مشخص شود. در ذیل دو مثال از اهداف رفتاری که باز هم نسبت به اهداف قبلی دقیق تر و جزئی تر است بیان شده است.
- معرفی پیامبر اکرم (ص) بعنوان نماد وحدت اسلامی بین شیعه و سنی و همچنین تکمیل کننده سایر ادیان الهی در قالب فیلمهای کوتاه برای دانش آموزان دوره ابتدایی
- قابل ذکر است که جهت برنامه ریزی دقیق باز هم می توان اهداف مذکور را جزئی تر و دقیق تر از این هم بیان کرد که جهت جلوگیری از اطاله مطلب این کار صورت نگرفته است.
- شایان توجه است برای گزینش هدفها می توان از طرح هفت مرحله ای رالف تایلر استفاده کرد.
- شکل 1:** طرح هفت مرحله ای رالف تایلر برای گزینش هدفها
- غایتهای کلی از سه منبع مختلف کسب می شوند. این سه منبع عبارتند از: نیازهای مخاطبان (دانش آموزان، دانشجویان و...)، نیازهای جامعه و نظر متخصصان موضوع مربوطه.
- برای استفاده از منبع نخست یعنی نیازهای مخاطبان باید بررسی جامعی از وضع روانی و جسمانی مخاطبان انجام گیرد تا نیازهای همه جانبه آنها معلوم گردد. در نظر گرفتن نیازهای جامعه در تدوین هدفها و برنامه های پرورشی سبب خواهد شد که برنامه های موردنظر با تغییرات اجتماعی هماهنگ شوند و مطالب و هدفهای نهایی که با شرایط زندگی اجتماعی پرورش یا بندگان منطبق باشند در آنها گنجانده شوند.
- منبع سوم انتخاب هدفها نظر متخصصان مربوطه است. این افراد به اعتبار صلاحیت علمی و تسلطی که بر موضوع دانش خود دارند، بهتر از دیگران می توانند هدفهای مهم را تشخیص دهند.

هدفهای انتخاب شده از منابع سه گانه بالا هدفهایی موقتی هستند و باید از دوصافی فلسفه پرورشی و روانشناسی پرورشی بگذرند تا به صورت هدفهای قطعی درآیند. زیرا هدفهای موقتی انتخابی بسیار زیاد و گاه متناقض هستند که باید از میان آنها هدفهای مناسب و همخوان با یکدیگر انتخاب شوند. علاوه بر آن ممکن است برخی از هدفهای موقتی با فلسفه اجتماعی و پرورشی حاکم بر جامعه مغایرت داشته باشند یا از لحاظ یافته های روانشناسی پرورشی قابل آموزش و استفاده نباشند که اینها نیز باید کنار گذاشته شوند. همچنین روانشناسی پرورشی به ما امکان می دهد تا هدفهایی را که دستیابی به آنها در سنین معینی از رشد غیرممکن است تشخیص دهیم.

آخرین مرحله تعیین هدفهای دقیق است. منظور این است که پس از تهیه هدفهای کلی موقتی از منابع سه گانه پیش گفته و مراجعه به ملاکهای دوگانه فلسفه پرورشی و روانشناسی پرورشی هدفهای پذیرفته شده را باید از صورت کلی و غیردقیق خارج کرد و به صورت هدفهای دقیق درآورد.

شکل 1- طرح هفت مرحله ای رالف تایلر برای گزینش هدفها



شناخت دقیق وضع موجود به تفکیک اقشار

در این مرحله بایستی وضعیت موجود اهداف رفتاری (انتظارات) در جامعه به تفکیک اقشار مختلف ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان، دانشگاه، مشاغل، مناطق شهری، مناطق روستایی و ... بررسی شود. برای این کار نیاز است. ابزار مناسب سنجش منطبق بر اهداف رفتاری تهیه و تدوین گردد.

1- تعیین شکاف بین وضع موجود با اهداف رفتاری (وضع مطلوب که بصورت اهداف دقیق رفتاری بیان شده است).

2- تعیین دلایل و عوامل ایجاد شکاف:

در این مرحله بایستی بررسی شود که ضعف در چه چیزی باعث ایجاد شکاف شده است. آیا ضعف در دانش است یا مهارت یا نگرش و یا رفتارهای فردی و اجتماعی. آیا ضعف به افراد برمی گردد یا به سیستم مدیریتی، آموزشی، پژوهشی و ... و این ضعفها در کدام مرحله از مراحل فرایند توسعه اتحاد ملی و انسجام اسلامی است. دو عامل از مهمترین عوامل قابل بررسی بعنوان نمونه در جدول زیر ارائه شده است.

توجه: هر کدام از موارد مذکور بایستی به تفکیک اقشار و متناسب با مراحل رشد شناختی و با بهره گیری از متخصصان مربوطه صورت گیرد تا نتیجه بخش باشد.

پس از انجام مراحل مذکور و آماده سازی برنامه مناسب بایستی آن را اجرا نمود و مدتی بعد از اجرا برنامه را با توجه به اهداف و انتظارات مورد ارزشیابی قرار داد. در نهایت با استفاده از نتایج ارزشیابی بازخوردهای لازم به مسئولین ذیربط ارائه می شود تا نقاط ضعف برنامه اصلاح و نقاط قوت آن تقویت گردد.

تعمیق (معرفت)	تصحيح و تعالی	تعمیق (معرفت)	تعمیق و تربیت	تبلیغ و ترویج	تمهید	
ارائه آموزشهای مرحله مند دانش فراهم شده در سطح پیشرفته	ارائه آموزشهای مرحله مند نظری جهت رفع نواقص مراحل قبل و تقویت و تعالی شخص جهت درک آثار و پیامدهای اتحاد ملی و انسجام اسلامی بصورت درونی و آماده کردن وی بعنوان یک مربی و آموزش دهنده مراحل قبل به سایرین	ارائه آموزشهای مرحله مند دانش فراهم شده در سطح اولیه و مقدماتی	ارائه آموزشهای مرحله مند دانش فراهم شده در سطح اولیه و مقدماتی	اشاعه دانش فراهم شده از مرحله قبل در بین اقشار مختلف جامعه به نحوی که دانش موردنیاز اقشار مختلف در دسترس مختلف آنها قرار گرفته باشد.	آماده سازی پیکره شناختی موردنیاز برای نشان دادن نقش اتحاد ملی و انسجام اسلامی و بالابردن وفاق و همدلی و جلوگیری از تفرقه و نفاق در سطح داخلی و خارج و همچنین بیان پیامدها و اثرات آن و ...	دانش
تقویت انگیزه و شوق و گرایش اقشار مختلف به نحوی که این شور و اشتیاق مقطعی نبوده و بصورت دائمی و پایدار در شخص وجود داشته باشد.	تقویت انگیزه و هدایت و تقویت و تعالی انگیزه و شوق و گرایش اقشار مختلف به سمت اهداف متعالی اتحاد ملی و انسجام اسلامی به نحوی که افراد پس از آن بعنوان مبلغین و مدافعین اندیشه اتحاد ملی و انسجام اسلامی به اشاعه و گسترش آن بپردازد.	تقویت انگیزه و شوق و گرایش اقشار مختلف به نحوی که این شور و اشتیاق مقطعی نبوده و بصورت دائمی و پایدار در شخص وجود داشته باشد.	تقویت انگیزه و شوق و گرایش اقشار مختلف به نحوی که این شور و اشتیاق مقطعی نبوده و به صورت دائمی و پایدار در شخص وجود داشته باشد.	ایجاد شور و اشتیاق و همچنین احساس نیاز در اقشار مختلف به سمت اهداف اتحاد ملی و انسجام اسلامی	فراهم سازی روشهای مختلف علمی برای تقویت نگرش مثبت نسبت به اتحاد ملی و انسجام اسلامی و اصلاح نگرشهای منفی	نگرش
-	-	-	-	-	-	سایر عوامل

توجه: هر کدام از موارد مذکور بایستی به تفکیک اقشار و متناسب با مراحل رشد شناختی و با بهره گیری از متخصصان مربوطه صورت گیرد تا نتیجه بخش باشد.

نتیجه گیری:

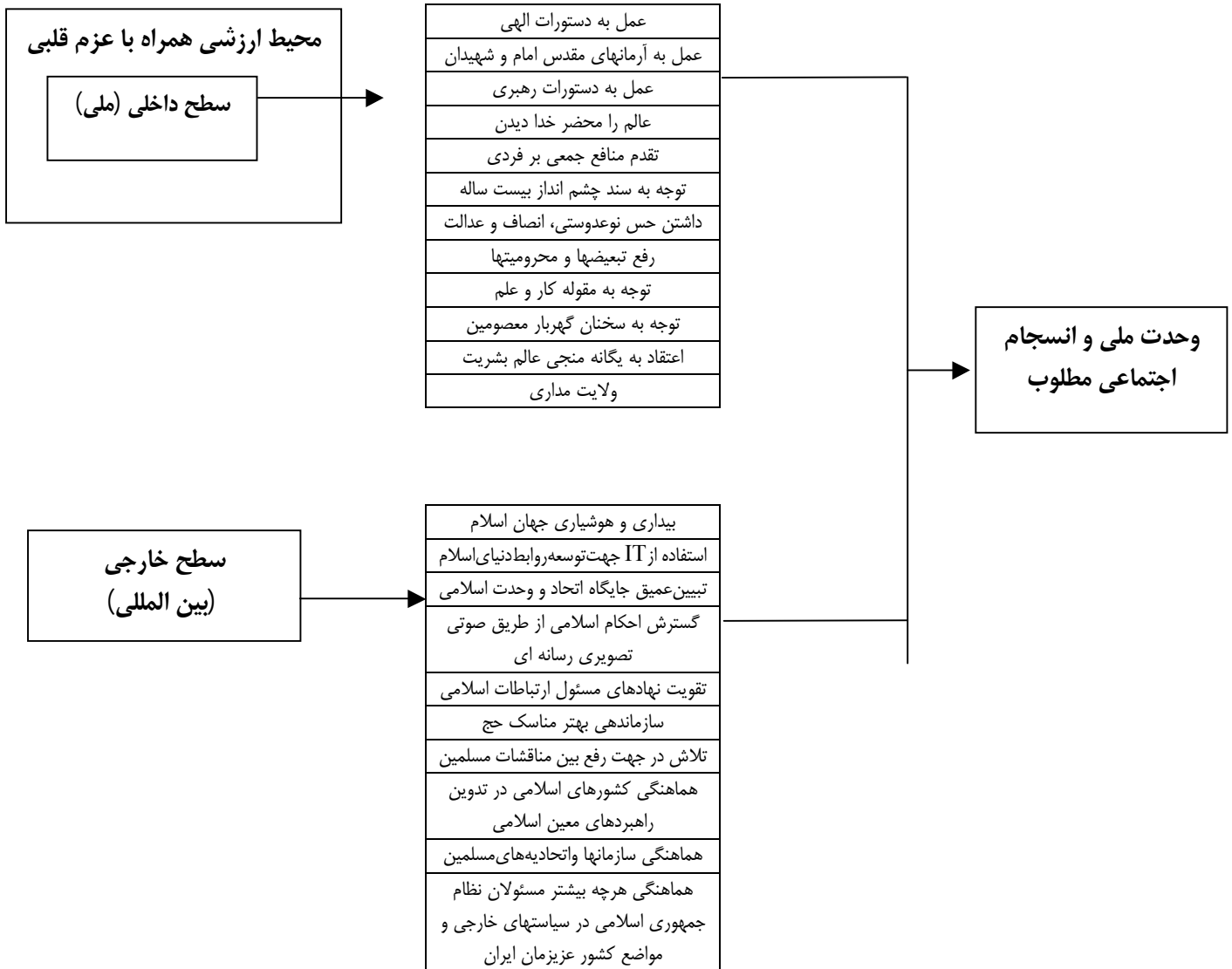
بی شک زمان حاضر بیش از هر زمان و دوره تاریخی دیگری، اتحاد و انسجام ملت‌های مسلمان در برابر هجمه های گوناگون سلطه گران و ابرقدرتها علیه جهان اسلام را طلب کرده و لزوم آن احساس می شود. این راهبرد مهم و اساسی بعنوان ضرورتی انکارناپذیر باید در حال حاضر به شکل موثری تقویت و نهادینه شود. لازم است که برنامه های منسجمی قالب ریزی شود تا راهبردهای سیاست مدارانه برای تحقق بخشیدن به اندیشه ناب رهبر معظم انقلاب اسلامی در نامگذاری سال 86 به نام اتحاد ملی و انسجام اسلامی نهادینه و موضوع وحدت جهان اسلام با توجه به سوابق در طول تاریخ بشریت در جهت مقابله با حاکمان زورگو و جایگاه جهان اسلامی در مجامع بین المللی و سازمانهای موجود نقش اساسی و سازنده ای داشته باشد. نقش همایشها و برنامه های فرهنگی متعدد اعلام شده توسط سازمان مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی به مناسبت این سال اثرات بسیار مطلوبی می تواند در وضع

موجود داشته باشد. در این میان نقش دانشگاهها و مراکز آموزشی برای پیشبرد اهداف تبیین شده از سوی مقام معظم رهبری باید بیش از پیش هویدا و ملموس باشد.

یکپارچگی ملت ایران وحدتی دستوری نیست بلکه ریشه و عقبه ای دینی دارد و در واقع این اعتقادات مذهبی است که با نزدیک کردن دلها، همه را به سمت توجه به ذات باری تعالی جهت می دهد و اتحاد عمیق ملی را همراه می آورد. عید واقعی هنگامی تحقق می یابد که امت اسلامی انگیزه های اختلاف و دودستگی را کنار بگذارد و دست در دست یکدیگر و با تمسک به تعالیم اسلامی بار دیگر به تعالی، عزت و قدرت برسند. در طول سالیان گذشته، دشمن همواره تلاش کرده است. با استفاده از انگیزه های قومی و مذهبی در اتحاد کلمه ملت یکپارچه ایران خلل ایجاد کند اما هیچگاه موفق نبوده و ملت ایران در جلوه گاههای حضور عظیم خود این وحدت را به نمایش گذاشته است. محور وحدت در کشور، نظام جمهوری اسلامی، اسلام عزیز و قرآن و سیره نبوی و ائمه اطهارند.

در این میان نقش حضرت مهدی (عج) بعنوان مصلح آخرالزمان نقش مهمی را ایفا می نماید. می توان نقشهای اعتقاد به مهدی موعود (عج) را در وحدت ملی و انسجام اجتماعی به شرح زیر بیان کرد:

- 1- مهدی موعود (عج) باعث کنارهم بودن ملتها و دولتهای اسلامی خواهد بود.
 - 2- اعتقاد به مهدی موعود (عج) باعث حفظ نمودن انسجام اجتماعی و وحدت ملی حول محور دین و توحید خواهد شد.
 - 3- اعتقاد به مهدی موعود (عج) موجب پایداری در برابر ظلم و ستم استعمارگران عرصه ظهور و بروز وحدت عقلانیت و شعور ملی خواهد شد.
 - 4- فرهنگ مهدویت موجب تقویت بنیه علمی، فرهنگی، اجتماعی دوستیها و محبتها و رفع کدورتها و اختلافهای اقوام و ملل و ادیان مختلف است.
 - 5- اعتقاد به مهدی موعود (عج) موجب استحکام کشور، هماهنگی مسئولین و دفاع از محور ولایت و ارزشها خواهد بود.
- با توجه به سخنان گهربار مقام معظم رهبری، سیره پیامبر و نقش انتظار مصلح آخرالزمان حضرت مهدی موعود (عج)، یوسف زهرا مدل زیر را جهت تقویت وحدت ملی و انسجام اجتماعی ارائه می نمایم.



منابع و مؤاخذ

1. قران مجید، به خط عثمان طه
2. آفرینش، روزنامه مستقل صبح ایران، شماره 2853 و 2881 شهریور و مهر 86
3. ابن صباغ مالکی، فصول المهه
4. احتجاج، جلد دوم، ص 499
5. امینی علامه، بحار الانوار، جلد 53، انتشارات اسلامی، 1383
6. انجیل لوقا، فصل دوازدهم، بندهای 35 و 36
7. بهشتی، محمد، ادیان و مهدویت، 1385
8. جوینی خراسانی، فوائد السمطین، جلد دوم
9. تورات، اشعیا، فصل یازدهم بندهای 1 تا 10
10. دوانی، علی، مهدی موعود، 1380
11. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه
12. شیخ حرعاملی، اثباه الهداه، جلد پنجم
13. سعیدی، احمد، اوصاف المهدی، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ اول 1386
14. رجالی تهرانی، علی، یکصد پرسش پیرامون امام زمان، انتشارات نبوغ 1385
15. فلاورجانی، خادم، مهدی نامه، انتشارات گنج معرفت، 1385
16. ظاهری، ابراهیم، نگاهی نو به عاشورا، انتشارات دارالمؤمنین، چاپ اول 1382
17. ظهیری، برکرانه عصمت، انتشارات پیام حجت، چاپ دوم، بهار 1385
18. گنجی شاقعی، البیان فی الاخبار صاحب الزمان، 1382

-
19. نوری، محدث، **شفایافتگان امام زمان**، انتشارات شمیم گل نرگس، 1386
20. مدرسی، آیت اله سیدمحمد تقی، **هدایتگران راه نور، امام مهدی**، انتشارات محبان الحسین، بهار 1386
21. واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران، **کرامات حضرت مهدی**، چاپ پنجم، پائیز 1385
22. واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران، **آئین انتظار**، چاپ سوم، زمستان 1385
23. واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران، **شگفتیها و عجایب دنیا در بعد از ظهور امام زمان**، چاپ پنجم 1385